

## نگاهی به تلاشهای سازمان در راه اتحادهای گسترده دمکراتیک و اتحادها و ائتلافهای چپ

### تجارب، موانع و سیاست ما

کنگره هفتم در راه است و یکی از موضوعات در دستور آن « طرح ما در رابطه با ائتلاف ها و وحدت حزبی » است. «اتحاد و ائتلاف» یکی از موضوعات مورد بحث در غالب کنگره های سازمان بوده و چند قطعه نامه هم در این باره به تصویب رسیده است. اما علیرغم همه این قطعه نامه ها، مسئله پراکندگی نیروهای اپوزیسیون همچنان مساله روز است. از این رو یکی از موضوعات در دستور کار کنگره آتی است.

در اینجا نگاهی داریم به قطعه نامه کنگره پیش و چگونگی اجرای آن. در این زمینه در سند کنگره ششم چنین آمده است:

« ۱- سازمان ما برای شکل گیری یک آلترناتیو دمکراتیک و لائیک در برابر جمهوری اسلامی مبارزه می کند. جمهوری ای که در آن آزادیهای سیاسی، مدنی و فردی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سالر بیانیه ها و میثاقهای بین المللی با روشنی بیان شود. در این جمهوری که قدرتش را از رای آزاد و برابر شهروندان کسب می کند، جدایی کامل دین و هر نوع ایدئولوژی از دولت و برابری حقوق زنان و مردان، تامین حقوق و ارتقای سطح زندگی کارگران و مزد و حقوق بگیران و رعایت حقوق دمکراتیک ملت های ساکن ایران از پرنسپب های خدشه ناپذیر است. در سیاست خارجی، این جمهوری بر اساس احترام به حقوق سالر ملل و رعایت قواعد و قوانین بین المللی، خواهان گسترده ترین رابطه با دول دیگر است.

شکل گیری این آلترناتیو به جای جمهوری اسلامی، نیازمند اتحاد وسیعی است از نیروهای دمکرات و آزادیخواه اعم از احزاب و سازمانهای سیاسی، محافل و شخصیتها و فعالین غیرمتشکل. سازمان ما می کوشد که به سهم خود در شکل گیری چنین اتحادی نقش موثری ایفا نماید.

"اتحاد عمل پایدار سیاسی" در چند سال اخیر نتوانسته است به یک ائتلاف وسیع فرا روید. ما می کوشیم با بهره گیری از مجموعه تجارب مثبت این "اتحاد" در جهت شکل گیری اتحاد گسترده تری گام برداریم.

۲- سازمان ما برای شکل گیری ائتلاف یا اتحادی از نیروهای چپ متشکل از سازمانها، محافل و افراد علاقمند تلاش می کند.

مبانی اولیه و یا موارد اشتراک حداقل برای شکل گیری این ائتلاف، که از یکسو هویت چپ آن را تعریف و از سوی دیگر امکان تصمیم گیری و حرکت جمعی را میسر می کند عبارتند از: طرفداری از سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو سرمایه داری - تلاش برای تامین حقوق و منافع اکثریت مردم یعنی کارگران و زحمتکشان - مبارزه برای برچیدن بساط جمهوری اسلامی.

نیروهایی که می توانند در این ائتلاف شرکت کنند، در اساس، بر پایه همان مبانی فوق تعیین می شوند. ائتلاف چپ فعالیت در سه عرصه عمده زیر را مد نظر قرار می دهد: دفاع از خواستها و مبارزات کارگران و زحمتکشان و طرح و تبلیغ مواضع و دیدگاه چپ در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - تلاش برای ایجاد و گسترش اتحاد دمکراتیک و لائیک و تقویت موقعیت چپها در درون آن - کوشش برای تعریف و تدقیق دیدگاه های برنامه ای و استراتژیک چپ در جهت همگرایی بیشتر.

سند مصوبه کنگره ششم صراحت کامل دارد. سیاست ما در قبال اتحادها و ائتلافها را از دو زاویه، اولی « اتحاد وسیعی از نیروهای دمکرات و آزادیخواه اعم از احزاب و سازمانهای سیاسی، محافل و شخصیتها و فعالین غیرمتشکل. » و دومی « شکل گیری ائتلاف یا اتحادی از نیروهای چپ متشکل از سازمانها، محافل و افراد » روشن کرده است. اکنون بدنبال یک دوره تلاش دو ساله و چندین ساله در این دو عرصه، باید دید:

-چه تلاشهایی در هر یک از این دو زمینه صورت گرفته است؟  
-چه موانعی بر سر راه این تلاشها دیده شده است، چه درون و چه بیرون از سازمان؟  
-چه امکاناتی برای رفع این موانع در اختیار داریم؟  
-چشم انداز آتی چیست؟

#### اتحاد وسیعی از جریانات و نیروهای چپ دمکرات و آزادیخواه

سازمان تا کنون تلاش بسیاری در راه شکل گیری اتحادی از جریانات و نیروهای چپ و دمکرات و آزادیخواه داشته است. پس از تشکیل سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، تلاش زیادی برای شکل گیری اتحادی دمکراتیک از سازمانها و احزاب دمکراتیک و انقلابی آغاز شد. حاصل این تلاشها به توافق حول قرار داد «اتحاد عمل برای دمکراسی در ایران» انجامید. اگر چه این اتحاد به سه سازمان سیاسی محدود ماند ولی از همان ابتدا سازمان ما در فکر گسترش صفوف آن بود و تلاش بسیاری کرد تا همیمانان خود را به این راه بکشاند. اما مشکلات این اتحاد متأسفانه بیش از آن بود که تلاشهای ما بتواند بر آنها غلبه کند. به پیوست ارزیابی و جمع بندی کمیسیون روابط عمومی سازمان را که در اواخر سال ۲۰۰۳ از عملکرد کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی صورت گرفته است، منتشر می کنیم. در یک تحلیل کلی، مشکل اصلی «اتحاد عمل برای دمکراسی» را می توان در برداشت متفاوت هر یک از عناصر تشکیل دهنده آن از مضمون این اتحاد و چشم انداز آن ارزیابی کرد. سازمان ما و حزب دمکرات کردستان این اتحاد را در چارچوب همکاریهای جبهه ای با هدف فراروئیدن به یک آلترناتیو دمکراتیک می دیدند، درحالیکه سازمان راه کارگر اساساً چنین دیدی نداشت و از آنجا که با تشکیل جبهه ای فراطبقاتی مخالف بود، این اتحاد را نه تنها در این راستا نمی دید بلکه تلاش می کرد تا به چنین راهی نیز نرود. این «استخوان لای زخم» عملاً امکان فعالیت و حرکت جدی از این اتحاد را سلب کرده بود. از این رو گسترش این «اتحاد» و جلب نیروهای دیگر به آن با موانع جدی روبرو می شد، ضمن آن که شرائط و تحولات سیاسی در ایران و مواضع سیاسی و برنامه ای دیگر نیروهای اپوزیسیون و موانع همیشگی بر سر راه اتحادها و ائتلافها، در جلب نیرو به این «اتحاد»، نیز مشکلاتی ایجاد می کرد.

از اوائل سال ۲۰۰۳ گفتگوهایی با سازمان کوموله و شورای موقت سوسیالیستها برای گسترش کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی آغاز شد و پس از یک موافقت اصولی اولیه در تابستان همان سال، بدنبال چندین جلسه مشترک بین ۵ جریان، اما نهایتاً مذاکرات به نتیجه نرسید. مشکل اصلی بر سر چگونگی این گسترش بود. مسئله تغییر نام و پیوستن یا گسترش به محور اختلافات تبدیل شد. حزب دمکرات با تغییر نام پیش از گسترش مخالفت کرد و دو سازمان دیگر، کوموله و شورای موقت سوسیالیستها، گسترش بدون تغییر نام را نوعاً پیوستن به این جمع ارزیابی می کردند و نه گسترش. در کلیت نیز کوموله با مضمون پلاتفرم مخالفتی نداشت و تا حد ممکن از خود انعطاف نشان داد. در حالی که شورای موقت سوسیالیستها در چارچوب پلاتفرم نیز اصلاحاتی را وارد می دانست. مذاکرات بی حاصل متوقف شد. در حالی که «کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی» از مدتی قبل با بحران درونی روبرو بوده و هیچگونه فعالیتی نداشت. شکست مذاکرات برای گسترش آن، عملاً آن را به تعطیلی کشاند.

پس از شکست مذاکرات، این فکر در بین سه جریان شکل گرفت که کمیته به کناری گذاشته شود و تلاش مجددی برای دعوت از مجموعه معینی از سازمانها برای تشکیل یک ائتلاف وسیع آغاز شود. سازمان راه کارگر با تردید بسیار با این فکر همراهی می کرد و همچنان تلاش می کرد تا در چارچوب کمیته اتحاد عمل این تلاشها ادامه یابد. مذاکرات چندی لازم بود تا روشن شود که چارچوب گذشته کارایی ندارد و باید طرحی نو درافکند. سازمان راه کارگر، به سختی این نظر را پذیرفت و با تردید با آن همراه شد. تصمیم گرفته شد تا با سازمانهای دیگر که در طیف سیاسی این سه جریان جای دارند، برای تشکیل یک سمینار با هدف رسیدن به یک ائتلاف وسیع تماس گرفته شود.

این تلاشها مصادف است با برگزاری کنگره ششم سازمان ما و کنگره حزب دمکرات کردستان ایران. بدنبال تغییر رهبری، سازماندهی مجدد دستگاه رهبری حزب دمکرات و بویژه مسئولین خارج از کشور آن چند ماهی بطول انجامید و گفتگوها مجدداً با مسئولین جدید آغاز شد. آغاز گفتگوهای سه جانبه مقارن شد با نامه دبیرکل حزب دمکرات کردستان به «جرج بوش». بدنبال این نامه، راه کارگر عملاً مذاکرات را معلق کرد و پس از مکاتبات درونی بین سه جریان پیرامون دلائل این نامه، با انتشار اطلاعیه، اقدام

نگاهی به گزارش بالا نشان می‌دهد که موانع موجود بر سر راه شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع متعدد بوده و می‌توان آن را به چند دسته تقسیم کرد :

- ۱- اختلافات برنامه‌ای و چشم‌انداز درباره حکومت آینده
- ۲- اختلافات نظری-ایدئولوژیک ( که عمدتاً در میان نیروهای چپ عمل می‌کند)
- ۳- اختلافات رقابتی - حیثیتی ( که می‌توان آن را روحیه محفلی هم نامید که عمدتاً بدلیل حضور در خارج از کشور و فقدان یک فشار معین اجتماعی پشت‌سر سازمان‌های سیاسی، عمل می‌کند)
- ۴- سوابق سیاسی

در تجربه بیش از یک دهه تلاش در شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع عوامل فوق‌گانه به تنهایی و گاه با هم، مانع از موفقیت این تلاشها شده‌اند. پیچیدگی کار سیاسی و تحولات دائمی چه در سطح جامعه و حکومت و چه در درون نیروی سیاسی به صورت دائم پارامترهای نزدیکی و دوری سازمانها را تغییر می‌دهند. بطور مثال تا پیش از کنگره فوق‌العاده اکثریت، بخشی از سازمانهای اپوزیسیون با این جریان همکاری نمی‌کردند. با تغییر خط مشی سیاسی، زمینه همکاری اکثریت با بخشی از سازمانهای سیاسی مهیا شد و از بخش دیگری دور شد. درحالیکه مانع برنامه و خط مشی سیاسی بین بخش رادیکال اپوزیسیون و اکثریت حل شده بود، اما اکنون سابقه سیاسی این جریان مانع همکاری برخی از سازمانها با اکثریت می‌شد. بطور مثال شورای موقت سوسیالیستها، در حالیکه در جهات اصلی سیاسی و برنامه‌ای با اکثریت اختلافی ندارد، ولی تنها به دلیل سابقه سیاسی اکثریت از همکاری با آنها خودداری می‌کند. تجارب نشان می‌دهد که هیچ فرمول ثابت و از پیش تعیین شده‌ای برای شکل‌گیری ائتلاف سیاسی وجود ندارد و متغیرهای متعددی در لحظه در موفقیت یا شکست این تلاشها نقش بازی می‌کنند. به همین دلیل راهی جز ادامه تلاشهای فوق وجود ندارد.

سازمان می‌بایست با تکیه بر پرنسپهایی که در سند های کنگره‌های گذشته و بویژه در کنگره ششم برای یک ائتلاف وسیع، بر آنها تاکید شده است همچنان برای شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع تلاش کند. کمیته مرکزی آینده باید تلاشهای تاکتونی را دنبال کند.

### شکل‌گیری ائتلاف یا اتحادی از نیروهای چپ

در زمینه اتحادی از نیروهای چپ، در سالهای اخیر زمینه واقعی شکل‌گیری یک اتحاد تشکیلاتی (وحدت حزبی) وجود نداشت. آخرین تلاشها در این راه همانا به شکل‌گیری «سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران» انجامید که خود حاصل چند سال مذاکره و گفتگو بین سه سازمان راه‌کارگر، سازمان فدائی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (شورای عالی) کار بود و نهایتاً با کناره‌گیری سازمان راه‌کارگر از این پروسه، اتحاد دو سازمان دیگر، شکل گرفت. از آن زمان به بعد و در تمام این سالها شرایط و زمینه‌های لازم برای اتحاد یا وحدت تشکیلاتی بسیار ضعیف بود. اگر چه تمایلات منفردی در برخی از سازمانها برای شکل‌گیری واحدهای حزبی بین این یا آن سازمان سیاسی وجود داشت و دارد، ولی تاکنون این تمایلات پراکنده، به یک تصمیم جمعی در درون این یا آن سازمان سیاسی تبدیل نشده است.

در زمینه ائتلافها و همکاری های موردی بین سازمانهای چپ تاکنون تلاشهای پراکنده‌ای صورت گرفته است. چند سال قبل ما از شرکت در طرح «اتحاد چپ کارگری» خودداری کردیم و در آن زمان نقدی بر این ائتلاف چپ ارائه کردیم ولی خودمان هرگز طرحی جایگزین برای آن ارائه ندادیم. و همزمان تلاشی برای تشکیل یک کمیته دفاع از مبارزات کارگران متشکل از چهار سازمان چپ، راه‌کارگر، اقلیت، کوموله و ما صورت گرفت که ناموفق پایان یافت. سپس گفتگوهای بین ما و راه‌کارگر و کوموله پیشرفت که به تنظیم متنی مقدماتی انجامید که قرار شد به تصویب رهبری‌ای سه سازمان برسد. کمیته مرکزی سازمان ما بر این متن اصلاحاتی وارد کرده و آن را به تصویب رساند. ولی تحولات بعدی عملاً پیگیری این سند را منتفی کرد. در این سالها بیشتر همکاری سازمانهای چپ با یکدیگر در چارچوب حرکت‌های دمکراتیک و در دل انجمن‌های دمکراتیک صورت گرفته است.

در زمینه «اتحاد و ائتلاف چپ» سازمان ما کارنامه قابل عرضه‌ای ندارد. باید دقت نمود که در زمینه شکل‌گیری «ائتلاف چپ» نیز همچون مسئله وحدت حزبی، تمایل متقابل برای همکاری یا ائتلاف بین سازمانهای سیاسی چپ وجود نداشته است. علاوه بر عوامل بیرونی، در درون ما نیز یک نظر واحد، یک برداشت یکسان و یک تعریف

رهبری حزب دمکرات را مغایر با بند هشت پلاتفرم اتحاد عمل برای دمکراسی ارزیابی کرده و یکجانبه به همکاری خود با دو سازمان دیگر در این کمیته خاتمه داد. از این پس نیز کلیه تماس‌های رسمی خود با سازمان ما را نیز قطع کرد.

علیرغم شکست مذاکرات برای گسترش «اتحاد عمل برای دمکراسی»، اما از مدتی قبل از آغاز این مذاکرات، تماسهای دائمی و همکاری‌هایی در قالب اعلامیه‌های مشترک بین پنج جریان وجود داشت. که علیرغم شکست مذاکرات گسترش کمیته اتحاد عمل، این همکاریها ادامه یافت. همزمان سازمان اکثریت در کنگره‌ای فوق‌العاده (بهار ۲۰۰۴) چرخشی را در سیاستهای خود در قبال حکومت نشان داد و سند نهایی کنگره بر لزوم تغییر حکومت پای فشرده. این تغییر سیاست زمینه فعالیت مشترک با پنج سازمان را فراهم کرد. در جریان انتخابات مجلس هفتم اعلامیه مشترکی با امضاء اکثریت و جبهه ملی خارج از کشور داده شد و بعد از آن نیز چند اعلامیه مشترک با امضاء شش سازمان داده شد، و دیدارهای چند جانبه ادامه یافت.

پس از مدتی بدنبال بروز اختلافات در درون «شورای موقت سوسیالیستها» بر سر امضاء مشترک با سازمان اکثریت، آنها از حضور در این جمع ششگانه خودداری کردند. درحالیکه همچنان روابط خود با ما را حفظ کرده و خواهان گسترش آن بودند. ابتدا گفتگو در سطح نمایندگان دو سازمان ادامه یافت. سپس جلسه مشترکی در سطح اعضاء دو جریان سازمان داده شد. ارزیابی از این دیدار مثبت بود و قرار شد تا این جلسات با تدارک قبلی و پیرامون موضوعات معین ادامه یابد. راه‌کارگر نیز بدنبال انتشار اعلامیه خروج خود از کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی، از این جمع کناره‌گیری کرد. چهار جریان دیگر دیدارها و همکاریهای خود را ادامه دادند.

پس از کناره‌گیری راه‌کارگر از کمیته اتحاد عمل، در بهار ۲۰۰۵ جلسه مشترکی بین ما و حزب دمکرات و سازمان اکثریت تشکیل شد. مضمون این جلسه گفتگو پیرامون گسترش روابط چهار جریان و راه‌های شکل‌گیری ائتلاف وسیع بود. از آن جلسه تا کنون حداقل چهار جلسه دیگر بین چهار جریان برگزار شده است. مضمون این جلسات همچون جلسه اول، گسترش همکاری‌ها از یکسو و راه‌یابی برای شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع بود. هدف این جلسات تعیین حداقل توافقات این چهار جریان و ارزیابی از دیگر نیروهای سیاسی اپوزیسیون بود. همچنین بررسی اقداماتی که در کادر چهار جریان قابل اجرا است شامل یک یا دو حرکت اعتراضی سراسری، برگزاری سمینارهای بحث و گفتگو حول موضوعات جنبش مردم ایران و از جمله حول دلائل و موانع پراکندگی اپوزیسیون و راه‌های غلبه بر آن.

در جلسه ژوئن ۲۰۰۵ بر سر اصول پایه‌ای مورد نظر هر سازمان و موارد توافق جمع، گفتگو شد. از این جلسه تا آخرین جلسه که در ماه مه امسال برگزار شد، چهار جریان موفق به برگزاری جلسه دیگری نشدند. مسائل گوناگونی چون کنگره آخر اکثریت و موضوع همکاری افرادی از این جریان با سلطنت‌طلبان و اختلافات درونی پیرامون آن، گرفتاری‌های حزب دمکرات که در پی راه‌اندازی تلویزیون خود بود، و مشکلات عمومی برای تعیین وقت مناسب، عملاً برگزاری جلسه چهار جریان را به اوایل ماه مه امسال کشاند.

در این جلسه موضوع گفتگوها تغییر کرد. دو حزب دمکرات و کوموله، با توجه به تحولات منطقه و ایران در طول یک سال گذشته و ارزیابی که از وضعیت اپوزیسیون داشتند، بعید می‌دیدند که در شرایط حاضر نیروی سیاسی دیگری به این جمع بپیوندند. از این زاویه بیشتر تاکید داشتند که در ابتدا خود این چهار جریان توافقات خود را روشن کنند. تاکید می‌کردند که این توافقات طبعاً درونی است و مبنای فعالیت و همکاری خود این چهار جریان است. اما در مذاکرات با دیگر سازمانها برای شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع، خط قرمز ما تلقی نمی‌شوند. گفتگوها نشان داد که علیرغم اختلافی که در جلسه بر سر چرایی این موضوع وجود داشت، اما هر چهار جریان بر لزوم ادامه همکاری‌های چهار جانبه مصر بودند. گفتگوها در زمینه توافقات ادامه یافت و نظرات هر چهار سازمان در این باب روشن بیان شد. جلسه در پایان تصمیم گرفت که تا سه ماه پس از این جلسه، از سازمانهای سیاسی معینی برای برگزاری یک سمینار دعوت به عمل آورده شود. موضوع این سمینار بر روی مختصات حکومت آینده ایران، محورهای همکاری نیروهای اپوزیسیون و راه‌های تحقق آن تعیین شد. گفته شد که پس از این سمینار ارزیابی روشنتری از زمینه‌ای واقعی شکل‌گیری یک ائتلاف گسترده بدست داده خواهد آمد.

## مشکل از کجا آغاز شد؟

در پاسخ به این سؤال و در یک نگاه کلی می‌توان گفت مشکل از همان گذاشتن خشت اول آغاز شد. ضرورت همکاری و حتی "اتحاد عمل" در میان سه حزب و سازمان تشکیل دهنده این "اتحاد" امری بود پذیرفته شده، اما در مورد دامنه همکاری و بویژه چشم انداز، دورنمای کار و ظرف اتحاد توافقی وجود نداشت. و البته وجود این اختلاف بر کسی پوشیده نبود.

برای سازمان اتحاد فدائیان و حزب دمکرات کردستان، با امضای این قرارداد همکاری، سنگ بنای اتحادی گذاشته می‌شد که در چشم انداز می‌توانست به جبهه نیروهای دمکراتیک ایران فرا برآید در حالیکه سازمان راه کارگر نگاهی بسیار محدود تر به این همکاری داشت. راه کارگر نه تنها از ورود در هر گونه اقدامی که به شکل گیری یک جبهه دمکراتیک فرا برآید ابا داشت بلکه آماده پذیرش نام ائتلاف بر همکاری فوق نیز نبود.

در چنین بستر جدال و توافق، کمیته ای زاده شد که نشان هر دو گرایش را بر پیشانی خود داشت و در هر گام، این تناقض به دست و پای آن پیچید. همانطور که شاهدیم با وارد شدن در بحث پلاتفرم و نهایتاً تصویب آن توسط سه حزب و سازمان پایه جبهه ای دمکراتیک گذاشته شد، اما ظرف حرکت، نام آن و حتی گامهای بعدی آن متناسب با آهنگ پا های گرایش دوم (راه کار گر) بر داشته شد. و در یک کلام می‌توان گفت پروژه اتحاد برای دمکراسی در ایران در کمیته اتحاد عمل برای دمکر اسی زنجیر شد و به طور طبیعی از عملکرد واقعی خود بدور افتاد.

تناقض پیش گفته به سنگین ترین وجهی وزن خود را بر تمامی اقدامات بعدی این کمیته باقی گذاشته است و تا به امروز نیز پا بر جا ست و به یقین می‌توان گفت بدون بر خورد شفاف و صمیمانه با این اختلاف گرهی، امید چندانی به گسترش حوزه کار این همکاری وجود نخواهد داشت.

## علل دیگر نا کامی؟

در بحثها و نقد های مختلفی که بویژه در یکی دو سال اخیر از عملکرد این کمیته دیده ایم از جمله آنچه در بررسی کار خود کمیته آمده است، به نکات مختلفی بر می‌خوریم که در جای خود بعضاً در ست می‌باشد اما چون به کانون بحران توجه لازم نکرده اند، طبعاً چشم انداز روشنی نمی‌گشایند.

مواردی چون هویت مستقل نیافتن کمیته، عدم شکل گیری دفاتر نمایندگی و کمیته های کشوری واز همه مهمتر یک هدایت و رهبری سیاسی که لازمه حضور فعال یک تشکل در صحنه تحولات اجتماعی و سیاسی می‌باشد، به یک اراده قوی سیاسی احتیاج دارد که همانطور که پیشتر اشاره شد در متن چنین تلاشی وجود نداشت.

شرایط اجتماعی-سیاسی ایران پس از دوم خرداد نیز اینجا و آنجا به عنوان عامل کند کننده موفقیت کار کمیته ذکر میشود که باز به خودی خود امر صحیحی است اما طرح صرف آن نه تنها نمی‌تواند در مرکز این ناکامی تلقی شود بلکه می‌تواند نتایج نا درستی هم بدست دهد. اگر از جمله هنر یک تشکل سیاسی دخالت و تاثیر در روند های اجتماعی و سیاسی یک جامعه است و اگر چنین تاثیری از جمله دیدن صحیح و خلاق چنین روندهائیس، اتفاقاً وجود چنین همکاری میبایست امکان پاسخگویی به سؤالات و گره‌گشایی ۵-۶ سال گذشته را جامع تر و مؤثر تر می‌نمود. بدون تردید شرایط رکود، انفعال، اعتلاء، اصلاحات ویا انقلابی و... بر حرکت هر جریان سیاسی تاثیر تعیین کننده دارد اما از این روشن تر باید براین مهم انگشت گذاشت که دخالت دادن این عناصر در اهداف و تاکتیک‌های تشکل سیاسی لازمه حیات و ادامه کاری آن می‌باشد. موردی که تقریباً در هیچ یک از مباحث ۶ ساله گذشته این کمیته نشانی از آن دیده نمی‌شود. به عنوان مثال در جریان دعوت از برخی جریانات و افراد جهت پیوستن به این کمیته همین "عدم بازتاب تحولات پس از دوم خرداد" در پلاتفرم و اتخاذ مواضع کمیته ذکر می‌گردید و بازمی‌دانیم که هیچگاه لزوم یا عدم لزوم چنین باز نگری در میان ما مطرح نبود.

کمیته روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۲۶ مهر ۱۳۸۱ / ۱۸ اکتبر ۲۰۰۳

مشترک از «ائتلاف چپ» وجود نداشته است. برخی از رفقا «ائتلاف چپ» را به یک نوع «جبهه سوسیالیستی» تعبیر می‌کردند و از این زاویه با آن موافق یا مخالف بودند. برخی دیگر «ائتلاف چپ» را بیشتر همکاری و هماهنگی چپها برای شکل بخشیدن به یک بلوک چپ در تحولات آتی ایران می‌دیدند. این اختلافات باعث شد تا در درون سازمان اراده موثری برای پیشبرد این مسئله شکل نگیرد. ضمن آن که در بیرون نیز شرائط و زمینه‌های لازم برای شکل گیری یک «ائتلاف چپ» آماده نبود و نتیجتاً این بخش از «اتحادها و ائتلافها» در عمل پیش نرفت.

تجربه نشان می‌دهد که برای شکل گیری یک ائتلاف چپ، باید مجموعه ای از سازمانهای چپ بر سر حداقل برنامه‌ای به توافق برسند. در سالهای گذشته چنین توافقی وجود نداشت و سازمانهای سیاسی چپ با تاکید بر برنامه‌های سیاسی خود، عملاً زمینه یک تفاهم بلند مدت برای رسیدن به یک ائتلاف چپ را از فراهم نکردند. به همین دلیل نیز در این سالها این جریانات تنها در غالب انجمنهای دمکراتیک موفق شدند با یکدیگر همکاری یا بهتر است گفته شود اتحاد عمل مودی کنند.

ارزیابی ما این است که در شرائط حاضر تحول چندانی در وضعیت نیروهای چپ رخ نداده است و همچنان زمینه‌های تفاهم بر روی یک برنامه برای شکل گیری یک ائتلاف از مجموعه سازمانهای سیاسی و فعالین چپ برای شکل گیری یک ائتلاف چپ وجود ندارد. ما بر این نظریه که سه سازمان سیاسی چپ یعنی، کوموله، شورای موقت سوسیالیستها و اکثریت، که با ما روابط نزدیکی دارند و بر سر بسیاری از مسائل سیاسی و برنامه‌ای با آنها تفاهم داریم، نمی‌توانند به دلایل گوناگون در حال حاضر در قالب یک ائتلاف چپ با یکدیگر همکاری کنند.

به رغم آن که در حال حاضر شکل گیری یک اتحاد چپ را در آینده نزدیک ممکن نمیدانیم، ولی بر لزوم شکل گیری چنین ائتلافی برای ایجاد یک «بلوک چپ» که بتواند رادیکالیسم را در سیر تحولات آینده ایران، تقویت کرده و زمینه لازم را برای حضور موثر چپ در این تحولات فراهم کند، تاکید داریم. برای رسیدن به این هدف لازم است تا ضمن گسترش همکاری‌های مودی با سازمانهای چپ، گفتگو و دیالوگ با سازمانهای و فعالین چپ را تشدید کرده و تلاش خود را برای یافتن زمینه‌ی تفاهم بین نیروهای چپ برای شکل گیری یک «بلوک چپ» را افزایش دهیم.

در زمینه وحدت، در چند سال گذشته تمایلاتی در بین بخشی از نیروهای سیاسی چپ و سازمان ما برای غلبه بر پراکندگی و لزوم تلاش در جهت وحدت حزبی شکل گرفته است. تحولات سیاسی و تحولات بخشی از نیروهای سیاسی نیز چشم‌اندازهای مثبتی را گشوده است. سازمان ضمن توجه به این امر تلاش خواهد کرد تا برای رفع موانع و پیشبرد بحث در این زمینه، گفتگوهای را سازمان دهد. همزمان تا آنجا که نظرات و سیاست های مشترکی وجود دارد به سهم خود برای همکاریها و اقدامات مشترک، در هر سطحی که مورد توافق باشد، پیشقدم شده و آنها را به اجرا می‌گذارد.

هر زمان بحث ها به نقطه‌ای رسید که برای پیشروی به تصمیم گیری جمعی نیازمند شدیم، مطابق اساسنامه، کنگره فوق العاده برای آن فراخوانده خواهد شد.

کمیسیون تدارک سند اتحاد و ائتلاف

12 خرداد ۱۳۸۵ / ۲ ژوئن ۲۰۰۶

## پیوست ۱

گذشته را چراغ راه آینده کنیم!  
نگاهی به عملکرد کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی

بیان ضعیف "کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی" امروز بر همه ما آشکار است و بر خی از جوانب آن در بررسی عملکرد خود این کمیته آمده است.

اما به نظر می‌رسد با گذشت بیش از پنج سال از حیات کمیته فوق جا دارد بر علل این ناکامی کمی بیشتر مکث نمائیم، چرا که آینده بهتر، توسعه ویا گسترش فعالیت آن، بدون چنین بازنگری، اگر نگوییم ناممکن، لا اقل از شتاب لازم برخوردار نخواهد شد.